

۱۶۵	مداومت بر زیارت عاشورا
۱۶۷	اثر شگفت
۱۶۸	خواندن چهل زیارت عاشورا
۱۷۳	درس بیستم: یادی از مصیبت حضرت علی اکبر <small>علیه السلام</small>
۱۷۴	نحوه شهادت حضرت علی اکبر <small>علیه السلام</small>
۱۷۹	مدفن حضرت علی اکبر <small>علیه السلام</small> و برکات آن
۱۸۵	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۶ تا ۲۰
۱۸۷	فهرست منابع

۱۱۹	شناخت حقوق برادران دینی
۱۲۲	درس چهاردهم: ادای حق مؤمن (۲)
۱۲۲	تلاش شبانه روزی در ادای حق مؤمن
۱۲۵	فضیلت قضای حوائج مؤمنان
۱۳۰	درس پانزدهم: تحقق بالاترین فرج برای منتظر
۱۳۰	رسیدگی به فرزندان معنوی امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۳۲	مودت خالص برای امام <small>علیه السلام</small> : نشانه کمال انتظار
۱۳۴	فرج مادی برای منتظر
۱۳۷	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۰ تا ۱۵
۱۳۹	فصل دوم: آثار و برکات انتظار در زمان ظهور
۱۳۹	درس شانزدهم: توفیق یاری امام <small>علیه السلام</small> در هنگام ظهور
۱۳۹	بالاترین آرزوی منتظر
۱۴۲	نمونه منتظر واقعی
۱۵۲	درس هفدهم: نکات آموزنده در تشرّف مرحوم شیخ حسن کاظمینی
۱۵۲	بیشترین احتیاج
۱۵۳	وصی خود باش!
۱۵۵	جمع نکردن مال بیش از حد نیاز
۱۵۶	مژده وصال
۱۵۸	درس هجدهم: دو برکت دیگر انتظار فرج
۱۵۸	حصول ثواب یاری امام <small>علیه السلام</small>
۱۶۱	همراهی با امام عصر <small>علیه السلام</small> در طلب خون سیدالشهدا <small>علیه السلام</small>
۱۶۵	درس نوزدهم: آثار خواندن زیارت عاشورا

در حلقه گذشته مفهوم انتظار و درجات مختلف انتظار فرج را بیان کردیم و درباره ویژگی لحظه به لحظه بودن آن توضیح دادیم. اکنون باید از آثار و برکات انتظار برای شخص منتظر سخن بگوییم که در حقیقت فواید این عبادت بزرگ و بی نظیر می باشد.

همه این آثار را می توان در یک کلمه جامع خلاصه کرد و آن کلمه «فرج» است. این تعبیر در یک حدیث شریف که از معارف جمعی جملی^۱ اهل بیت علیهم السلام به شمار می آید، از حضرت زین العابدین علیه السلام نقل شده است:

إِنْتَظَرُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ.^۲

انتظار فرج از بزرگترین فرج هاست.

همین بیان از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است:

مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ، فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِإِنْتَظَارِهِ.^۳

۱ - جمعی به معنای فشرده، و جملی به معنای خلاصه شده است. و «جمعی جملی» یعنی بسیار فشرده و خلاصه که درعین اختصار همه مطلب را در بر دارد.

۲ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۲ ح ۴.

۳ - اصول کافی، کتاب الحجّة، باب أنّه من عرف امامه ...، ح ۳.

کسی که این امر (امامت و ظهور آن) را بشناسد، به سبب انتظار کشیدن آن، برایش گشایش حاصل می‌شود.

منظور از کلمه «امر» در بسیاری از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام امر امامت و ظهور آن است که با فرج امام عصر علیه‌السلام تجلی کامل می‌یابد. حدیث اول، تعبیر انتظار فرج و حدیث دوم انتظار امر را به‌کار برده‌اند و هر دو یک مصداق دارند.

به هر حال مطابق فرمایش پیشوایان ما غیر از فرج امام زمان علیه‌السلام که فرج نهایی همه اولیا و انبیای الهی و مؤمنان است، هر شخص منتظری همین انتظارش برای او فرج می‌باشد. بلکه می‌توان گفت که: پس از فرج امام عصر علیه‌السلام که بزرگترین فرج‌ها برای همه مؤمنان است، بالاترین فرج جزئی برای شخص منتظر، همین انتظار اوست.

این عبارت، بسیار عمیق و حاوی نکات بسیار مهمی است که به فضل الهی باید برای انسان روشن شود تا راه فرج خود را در زمان غیبت قبل از ظهور- بشناسد. در یک جمله باید گفت: قبل از ظهور امام علیه‌السلام آن چیزی که مؤمن را از همه خطرات، نگرانی‌ها، گمراهی‌ها و لغزش‌ها می‌رهاند، همین انتظار است. ما در این حلقه در صدد آنیم که به اندازه بضاعت مُزجاتی که خداوند عنایت فرموده است، جلوه‌های مختلف این فرج را توضیح دهیم. این مقصود را در دو فصل به ترتیب دنبال می‌کنیم.

فصل ۱

آثار و برکات انتظار در زمان غیبت

درس اول: آثار نزدیک دانستن ظهور

برای اینکه آثار و لوازم انتظار را در شخص منتظر بهتر بشناسیم، مناسب‌ترین راه این است که از آنچه در حلقه پیشین درباره تعریف انتظار از طریق ملزومات آن بیان کردیم، کمک بگیریم. در آنجا مهمترین عوامل به وجود آورنده انتظار را چهار عامل دانستیم که دومین آنها در بحث فعلی بسیار تأثیرگذار است.

عامل دوم این بود که هر چه زمان وقوع آنچه را در انتظارش هستیم نزدیک‌تر بدانیم، انتظار ما شدیدتر می‌گردد. بنابراین بهترین راه برای شناخت آثار و برکات انتظار این است که فرض کنیم یقین پیدا کرده‌ایم که فرج امام عصر علیه‌السلام بسیار نزدیک شده است و بررسی کنیم که در این فاصله کم (تا فرج حضرت) حال انتظار چه لوازم و آثاری دارد، آنگاه چون به ما توصیه‌های فراوانی شده است که فرج امام علیه‌السلام را نزدیک

فکر انجام دادن گناه به ذهنمان خطور نمی‌کند، بلکه حتی در یغمان می‌آید که در این یک روز به امور مباح پردازیم.

همه تلاشمان این است که از این مدت کم، بیشترین استفاده را در جهت کسب رضای خداوند و جلب خاطر مبارک امام علیه السلام ببریم. بالاترین نگرانی ما این است که نکند وقتی حضرتش تشریف می‌آورند، توجّهی به مانکنند یا خدای نا کرده از ما روی بگردانند. برای اینکه چنین حالتی پیش نیاید، سعی می‌کنیم خود را طوری مهیّا بسازیم که شایسته استقبال از آن بزرگوار باشیم.

بالاترین آرزوی ما این است که در مواجهه با حضرت، شاهد لبخند رضای ایشان به روی خود باشیم و اینکه خطاب به ما بفرمایند: احسنتم! بارک الله! در غیاب من به وظایف خود خوب عمل کردید. من از شما سپاسگزار هستم.

علاوه بر همه اینها در آرزوی یاری ایشان برای انجام اهداف مقدّسشان لحظه شماری می‌کنیم؛ با خود می‌گوییم آنچه را عمری در آرزویش بودیم و با امید وصالش زندگی را گذرانیدیم، یک روز دیگر، با چشمان خویش شاهد خواهیم بود و چه شیرین است آن لحظات!

آنچه را برای یاری کردن ایشان از قبل آماده کرده‌ایم، نزد خود حاضر می‌کنیم و تمام شرایط و زمینه‌ها را برای آنکه به حضرتش بپیوندیم و جزء بهترین یاوران ایشان باشیم، در خود فراهم می‌آوریم. خدای را شکر می‌کنیم که زنده‌ایم و سالم هستیم و ان شاء الله تا یک روز دیگر همه امکانات مالی، آبرویی، زندگی و هستی خود را فدای قدم محبوب عزیزتر از جان خود خواهیم کرد.

بدانیم، آثار و لوازم آن حال فرضی را به همه زمانها سرایت بدهیم. ابتدا زمان ظهور امام علیه السلام را بسیار بسیار نزدیک فرض می‌کنیم تا ببینیم این اعتقاد و جداناً چه آثاری در منتظر ظهور می‌گذارد. اگر به ما گفته شود که امام زمانتان قطعاً تا فردا ظهور می‌فرماید و ما به صدق این خبر یقین کنیم، در این یک روز، زندگی ما چگونه خواهد بود؟ هر کس می‌تواند با مراجعه به وجدان خود، این سؤال را پاسخ بدهد.

کسب رضای امام علیه السلام

در درجه اول می‌توان گفت که:

در این یک روز، بیش از هر چیز و هر کس، یاد امام زمان علیه السلام و ظهور ایشان، دل‌های ما را پر می‌کند و آنقدر که به فکر ایشان خواهیم بود، فکر دیگری ما را مشغول نخواهد کرد. علاوه بر این، قطعاً در این یک روزه کاری که خدا و امام زمان علیه السلام را ناخشنود می‌سازد، انجام نمی‌دهیم و اگر خطایی و گناهی از ما سرزده است، در این فاصله، همه همت خود را برای توبه و جبران آن به کار می‌بندیم.

اگر حقی از دیگران بر عهده ما باقی مانده یا ظلمی در حق کسی مرتکب شده‌ایم، به سرعت در جهت طلب حلیت اقدام می‌کنیم. اگر عهد و پیمانی با امام خود بسته بودیم اما در عمل به آن پای بند نبوده‌ایم، در این یک روز، کمال سعی خود را انجام می‌دهیم تا به آن عمل کنیم.

عبادت‌های ما نیز در این فاصله، معنویت و اخلاص بیشتری پیدا می‌کند؛ نمازهای ما در این یک روز با گذشته تفاوت خواهد کرد و با حضور قلب بیشتری خواهد بود. در این مدت کم، مُحال است که بیش از حد ضرورت و اضطراب، عمر خود را صرف امور دنیوی کنیم. نه تنها



همراه کردن دیگران

آنگاه از خود می‌گذریم و سراغ سایر مؤمنان می‌رویم و آنها را هم مانند خود آماده استقبال و همراهی با امامشان می‌کنیم. اگر ببینیم که بعضی از آنها اشتیاقی و علاقه‌ای به این موضوع از خود نشان نمی‌دهند، با دلسوزی و از سر شفقت و مهربانی سعی می‌کنیم تا آنها را با خود هم عقیده سازیم و دریغمان می‌آید که چنین فرصت طلایی و استثنایی را از دست بدهند. دلمان نمی‌آید که فردا وقتی خورشید امام عَلَيْهِ السَّلَامُ طلوع می‌کند، کسانی از مؤمنان، خود را در بیغوله‌های تنگ و تاریک پنهان کنند و دانسته یا ندانسته از گرما و روشنایی این خورشید بی‌بهره بمانند. به طور خلاصه سعی می‌کنیم سوز انتظاری که خداوند سر سوزنی از آن را به ما ارزانی داشته است، در حدّ توان به سایر مؤمنان هم سرایت دهیم؛ به این امید که آتش اشتیاقی که به لطف خدا و عنایت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ خرمین وجود ما را فرا گرفته است، غافلان را هم فراگیرد و در نتیجه همگی با هم به استقبال و یاری عزیز فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ بشتابیم. همه عاشقان و شیفتگان آن در دانه هستی را دور هم جمع می‌کنیم و به ایشان می‌گوییم: بیایید خدا را صدها هزار مرتبه شکر کنیم که زمان خواندن این دعاها تا یک روز دیگر به سر می‌آید:

هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بِغَدِهِ فَنَحْظِي؟ مَتَى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ
فَنَرَوِي؟ مَتَى نَنْتَفِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدْي؟ مَتَى
نُغَادِيكَ وَ نُرَاوِحُكَ فَتَقَرَّ عُيُونُنَا؟ مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ وَ قَدْ
نَشَرْتَ لِيَوَاءِ النَّصْرِ تُرِي؟ أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَوُمُّ الْمَلَأَ وَ

قَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ عَدْلًا؟^۱

آیا امروز ما در ارتباط با تو به فردایش می‌رسد تا به آرزوی خود برسیم؟ چه وقت بر سر چشمه‌های پر آب سیراب کننده تو خواهیم رسید تا سیراب گردیم؟ چه موقع از آب شیرین و گوارای تو بهره‌مند می‌شویم؟ تشنگی ما طولانی گشته است! کی می‌شود که با تو صبح و شام کنیم تا چشمان ما (به جمالت) روشن شود؟ کی تو ما را و ما تو را می‌بینیم در حالی که پرچم پیروزی را برافراشته‌ای؟ راستی می‌شود ما را ببینی که به گرد تو حلقه زده‌ایم و تو بر همگان امامت می‌کنی در حالی که زمین را از عدالت پر ساخته‌ای؟!

و زمان «نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۲ فرا می‌رسد. چنین الحمد لله‌ای هرگز در عمر خود نگفته‌ایم و یک روز دیگر به انجام این عبادت بزرگ رستگار می‌شویم.

همه آنچه بیان شد، در این فرض بود که ما یقین به ظهور حضرت تا بیست و چهار ساعت آینده داشته باشیم؛ اما اگر این فاصله زمانی بیشتر شود، هر قدر که طولانی‌تر گردد، شور و حرارت قلبی کمتر خواهد شد و به سردی بیشتری می‌گراید.

آفات دور دانستن ظهور

مثلاً اگر به جای یک روز، مطمئن شویم که ایشان یک هفته دیگر ظهور خواهند فرمود، در این فرض تقریباً همه حالاتی که گفتیم برای

۱ - دعای ندبه (اقبال الاعمال ص ۲۹۸).

۲ - جمله‌ای از دعای ندبه.

انسان خواهد بود اما با قدری شور و حرارت کمتر. چشم به راهی ما شدت کمتری پیدا می‌کند و همین تفاوت در شدت و ضعف انتظار، منشأ تفاوت‌هایی در رفتار ما در این دو فرض خواهد شد. مثلاً اگر در آن یک روز قطعاً می‌توانستیم بگوییم که خواب به چشمان ما نخواهد آمد، در این یک هفته چنین نیست و آن دلشوره و هیجان قبلی را در این فرض جدید نداریم. یا اینکه در آن یک روز یقیناً عمر خود را صرف کارهای بیهوده و حتی تفریحی نمی‌کنیم، اما در این یک هفته شاید دقایقی یا ساعاتی را به بطالت بگذرانیم. در مجموع، آن دقت و تلاشی که در فرض اول برای استفاده بهتر و کامل‌تر از فرصت باقیمانده به خرج می‌دهیم، در فرض بعدی به آن شدت نخواهد بود.

حال اگر یک هفته به یک ماه تبدیل شود و در حقیقت، اطمینان پیدا کنیم که قبل از یک ماه دیگر حضرتش ظهور نمی‌فرمایند، در این صورت شور و اشتیاق ما در انتظار، کمتر و ضعیف‌تر می‌گردد و در نتیجه همه آنچه بیان شد، سست‌تر و کم‌رنگ‌تر می‌شود. در این فرض احتمال اینکه اوقات بیشتری از عمر گرانقدر خود را تلف کنیم و بیهوده فرصت را از دست بدهیم، بسیار بیشتر از فرض قبلی است. اگر در آن یک روز و یک هفته فقط در حد نیاز ضروری به امور دنیوی و مادی می‌پرداختیم، در این یک ماه آنقدر برایمان اهمیت ندارد که قدری از فرصت باقیمانده تا ظهور مولایمان را از دست بدهیم. اگر در آن یک هفته برای جبران حقوق دیگران که برگردن ما بوده، شتاب می‌کردیم، در این یک ماه خیلی عجله نمی‌کنیم و کار امروز را به فردا و پس فردا می‌اندازیم. اگر نمازها و سایر عبادت‌های ما در آن یک هفته، حال و صفای فوق‌العاده‌ای داشت، در این یک ماه به آن اندازه

حضور قلب ندارد و ...

به طور کلی هر چه فاصله خود را با ظهور بیشتر بدانیم، این آثار و نشانه‌ها به تدریج کم‌رنگ‌تر می‌شود. به همین دلیل اگر این فاصله از یک ماه به یک سال برسد، معمولاً آثار کمتری ظهور و بروز خواهد کرد. قطعاً غفلت نوع مؤمنان در این حالت بیشتر خواهد بود و چه بسا ساعت‌ها یا روزها یا حتی هفته‌ها با فراموشی یاد ایشان بر بعضی بگذرد و از همین بابت هیچگونه احساس ضرر و زیان هم نکنند. آن شور و حرارت و هیجان در فرض‌های قبلی، در این فرض، بسیار ضعیف‌تر خواهد شد و عمل به وظایف یک منتظر واقعی سست‌تر می‌گردد.

بنابراین اگر می‌خواهیم آثار و لوازم انتظار فرج را وجدان کنیم، باید خود را در آن شرایط فرضی ببینیم تا لوازمش بیشتر برای ما ملموس گردد و آثار عملی آن را در خود بیابیم. مؤثرترین عامل در ایجاد این حالت، همانا اعتقاد به این حقیقت است که امر فرج امام زمان علیه السلام در هر صبح و شام، بلکه در هر لحظه و هر ساعتی، امکان وقوع دارد و ما این مطلب را با استناد به بعضی از ادله آن، در حلقه گذشته اثبات نمودیم. هر چه ایمان شخص به آن حقیقت عمیق‌تر باشد، آثار ذکر شده به طور طبیعی ظهور و بروز بیشتری خواهد داشت. پس نتیجه عملی بحث فعلی این است که برای رسیدن به آن لوازم مطلوب، باید از طریق ایجاد علت آن که همان اعتقاد پیش‌گفته است، سیر کنیم.

در درس‌های آینده آثار و برکات انتظار در زمان غیبت را در طی چهار مرحله توضیح خواهیم داد.

